

باسمه تعالی

« آیات زندگی (۹) - چهار ویژگی قرآن کریم »

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً
وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ (نحل / آیه ۸۹)

و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و
مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان باشد.

قرآن بیانگر همه چیز است.

در قرآن، بیان همه چیز هست، ولی با توجه به این نکته که
قرآن یک کتاب تربیت و انسان سازی است که برای تکامل
فرد و جامعه در همه جنبه های معنوی و مادی نازل شده
است، روشن می شود که منظور از همه چیز، تمام اموری
است که برای پیمودن این راه لازم است، نه این که قرآن یک
« دایره المعارف » بزرگ است که تمام جزئیات علوم ریاضی
و جغرافیائی و شیمی و فیزیک و گیاه شناسی و مانند آن در
آن آمده است، هر چند قرآن یک دعوت کلی به کسب همه

علوم و دانش ها کرده که تمام دانش های یاد شده و غیر آن در این دعوت کلی جمع است.

به علاوه، گاهگاهی به تناسب بحث های توحیدی و تربیتی، پرده از روی قسمت های حساسی از علوم و دانش ها برداشته است، ولی با این حال، آنچه قرآن به خاطر آن نازل شده و هدف اصلی و نهائی قرآن را تشکیل می دهد، همان مسأله انسان سازی است، و در این زمینه، چیزی را فروگذار نکرده است. گاهی انگشت روی جزئیات این مسائل گذارده و تمام ریزهکاری ها را بیان می کند و گاهی مسائل حیاتی انسان را به صورت های کلی و کلی تر مطرح می نماید.

چهار مرحله هدایت

جالب این که درآیه فوق، چهار تعبیر برای هدف نزول قرآن ذکر شده است:

۱ - تَبَيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ: «قرآن بیانگر همه چیز است».

۲ - مایه هدایت است (هُدًی)

۳ - اسباب رحمت است (و رَحْمَةً)

۴ - در آخرین مرحله می گوید: موجب بشارت برای عموم مسلمانان است (و بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ)

حدیث:

۱- امام باقر (ع) فرمود: هر چه را که امت به آن نیاز داشته، در قرآن آمده است و هر سخنی که از من شنیدید اگر سند قرآنی اش را بخواهید، خواهم گفت.

۲- در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم: خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است، به خدا سوگند چیزی که مورد نیاز مردم بوده است کم نگذاشته، تا کسی نگوید: اگر فلان مطلب درست بود در قرآن نازل می شد، آگاه باشید همه نیازمندی های بشر را خدا در آن نازل کرده است.

سخن دانشمندان غربی

الف) دکتر گرینه دانشمند فرانسوی

از علت مسلمان شدنش را پرسیدند؟

گفت: من در تمام آیات قرآنی که در زمینه علوم طبیعی و بهداشتی و طبّی بود مطالعه کردم و آنها را به خوبی فهمیدم و با علوم جدید منطبق دیدم از این رو مسلمان شدم. زیرا یقین کردم که محمد(ص) متجاوز از هزار سال پیش بدون اینکه معلم بشری داشته باشد، حق را بیان کرده است.

ب) دکتر «گوستاولوبون» فرانسوی:

قرآن که کتاب آسمانی مسلمین است تنها منحصر به تعلیم و دستورهای مذهبی نیست و بلکه دستورهای سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است. تعلیمات اخلاقی قرآن به مراتب بالاتر از تعلیمات اخلاقی انجیل است.

داستان

« فضیل بن عیاض » از راهزنان و دزدان زبردستی بود که در اطراف سرخس، اموال کاروان‌ها را غارت می‌کرد و شنیدن نامش، لرزه بر اندام مردم می‌انداخت. روزی چشمش به دختری زیبا افتاد و عاشق و دل‌باخته‌ی او شد. پیش رفت و به او گفت: «امشب به خانه‌ی شما می‌آیم (منتظر باشید) . به پدر و مادر خود بگو اتاقی آماده کنند و نردبانی کنار دیوار بگذارند؛ چون من از دیوار بام وارد می‌شوم» .

وقتی دختر این خبر را به پدر و مادر خود رساند، آنان از ترس، آن چه را فضیل گفته بود، انجام دادند و با اندوه، از خدا می‌خواستند که شر فضیل را از آنان برطرف گرداند. نیمه‌های شب، صدای پای فضیل از روی بام به گوش رسید. ناگهان فضیل در آن دل شب، صدای تلاوت قرآن را شنید که کسی این آیه‌ی کریمه را می‌خواند:

(اَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ.....)

آیا گاه آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان (ظاهری) در برابر ذکر خدا و آن چه از حق نازل شده است، خاشع گردد و به دل توجه کنند؟ (حدید، ۱۶)

چون این آیه به گوش فضیل رسید، به یک باره پرده‌ی شهوت و غفلت را کنار زد و دیده‌ی باطنش باز شد و دانست، آن چه را باید بداند! آنگاه متوجه درگاه الهی شد و بی اختیار فریاد کرد: ای پروردگار من! آری، گاه آن رسیده است. اکنون وقت آن است که قلب‌ها خاشع و نرم شوند. همان جا توبه کرد و از وصال دختر چشم پوشید. فضیل بعد از توبه کردن و توجه به خدا، به مقام والایی در کمال اخلاقی رسید. او از جمله‌ی عارفان بزرگ آن عصر به حساب می‌آید و شاگردانی نیز تربیت کرده است.

فضیل در پایان عمر، در شهر مکه و در جوار کعبه می‌زیست و سرانجام نیز در روز عاشورا در شهر مکه درگذشت. (سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۶۹)